

بررسی کتاب «زبان و پژوهش‌های جنسیت از دیدگاه زبان‌شناسی جنسیت»

روزبه مرادی

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / ایمیل: info@rmoradi.ir

چکیده

در سال‌های اخیر شاهد رشد بسیار چشمگیر رشته‌ی زبان‌شناسی اجتماعی بوده‌ایم، این رشته نوپا به خوبی توانسته است که مرزهای سنتی زبان‌شناسی را به عقب رانده و درباب در اعمال شیوه‌های زبانی زمینه‌های اجتماعی و قدرت چه نقشی ایفا می‌کند. ظهور زبان‌شناسی جنسیت، به نوعی یک پروژه‌ی هیجان‌انگیز جدید در این جنبش بسیار گسترده است که دیدگاه‌های نظریه‌ی جنسیت را با مطالعه‌ی زبان ترکیب می‌کند. در این زمینه، کتاب *زبان و پژوهش‌های جنسیت از دیدگاه زبان‌شناسی جنسیت* اثر نویسنده‌ی آلمانی مایکل کخ، بیان به موقع و موجز تاریخچه‌ی مطالعه‌ی جنسیت و تمایلات جنسی در زبان‌شناسی و منبع مفیدی برای درک فرضیه‌های اصلی و با ارزش رویکرد زبان‌شناسی جنسیت است.

واژه‌های کلیدی

زبان، جنسیت، زبان‌شناسی جنسیت.

۱. نقد و بررسی

کتاب کخ، به‌غیراز مقدمه و نتیجه‌گیری، در سه بخش سازمان یافته است: «توسعه و نقد تحقیق سنتی جنسیت و زبان»؛ «نظریه‌ی جنسیت و مفاهیم اصلی آن»؛ و «زبان‌شناسی جنسیت». در بخش اول، کخ، مفهوم انحراف زبانی را معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که جنسیت و پژوهش جنسیت و زبان با نظریه‌پردازی سبک‌های گفتاری زنان و تحلیل زبانی تفاوت‌های موجود در قدرت بین متکلمان آغاز شد. او ابتدا تکامل درک زبان زنان را به‌عنوان یک انحراف و سپس در نتیجه‌ی کمبود نسبی قدرت، در مقایسه با مردان بیان می‌کند. تشخیص اینکه گروه‌های کم قدرت‌تر مردان، نمی‌توانند به مردانگی هژمونیک دست پیدا کنند، کخ را به سمت این نتیجه پیش برد که سخنرانان انحرافی زنان نیستند بلکه تمام متکلمانی هستند که به نحوی از قدرت نهاده‌شده مذکر محروم شده‌اند.

کخ سپس چالش‌های مدل تفاوت یا دو فرهنگی را با این فرض مورد بحث قرار می‌دهد که زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف پرورش می‌یابند و در نتیجه الگوهای کلامی متفاوتی دارند. او اشتباهات مدل تفاوت، از جمله تلفیق رفتار جنسیتی نامتناسب با تمایلات جنسی و توجه نکردن به سبک‌های زبانی خارج از هژمونیک را بررسی می‌کند. پس از نقد این مدل تفاوت، کخ توسعه‌ی حوزه‌ی زبان‌شناسی جنسیت مذکر و مؤنث را دنبال می‌کند که اهمیت

تمایلات جنسی و گرایش جنسی را در نظریه‌پردازی جنسیت و زبان به رسمیت می‌شناسد. (کخ، ۲۰۰۸: ۷)

بخشی از پروژه‌ی کخ برای ثبت تاریخچه‌ی زبان‌شناسی جنسیت مذکر و مؤنث، بررسی سهم و محدودیت‌های آن برای بحث بر سر مدل زبان‌شناسی جنسیت است. او ابتدا چگونگی تمرکز محققان زبان‌شناسی جنسیت مذکر و مؤنث بر ایده‌ی لغات جنسیت مذکر را ثبت می‌کند. این محققان بعدها توسط زبان‌شناسان فمینیستی به چالش کشیده شدند زیرا بر این باور بودند که لغات جنسیت مؤنث کمتر توسعه یافته است، نه به این خاطر که آن‌ها کمتر از مردان تمایلات جنسی دارند، بلکه به این خاطر که بسیاری از کلمات موجود در لغات جنسیت مذکر، ضد زن هستند و در نتیجه توسط زنان استفاده نمی‌شوند. به علاوه، این زبان‌شناسان فمینیست این بحث را نیز مطرح می‌کنند که از آنجایی که زنان تحرک کمتری دارند و کمتر به فضای عمومی دسترسی دارند، لغات جنسیت مؤنث کمتر توسعه یافته، کوچک‌تر، و مخفی‌تر از لغات جنسیت مذکر است. پیرو این مبحث در مورد لغات جنسیت مؤنث، کخ این بحث بین زبان‌شناسان را مطرح کرد که آیا مفهوم لغات جنسیتی مذکر اصلاً معتبر هست یا خیر. درحالی‌که حامیان ادعا می‌کنند که این راهی برای جنسیت مذکر به‌منظور یافتن و برقراری ارتباط با یکدیگر است، منتقدان می‌گویند زبان جنسیت نمی‌تواند وجود داشته باشد زیرا هیچ تجربه‌ی جنسیتی مذکر یکپارچه‌ای وجود ندارد. موضوع مرتبط با این نقد، این است که آیا مطالعه‌ی زبان جنسیتی مذکر و مؤنث برای تکیه بر هویت‌های ثابت و یکپارچه‌ی جنسیت مذکر و مؤنث، معتبر است یا خیر.

در بخش دوم، کخ این مسئله را از طریق معرفی نظریه‌ی جنسیتی خود برای آماده‌سازی بحث نهایی‌اش دنبال کرد که ترکیب اجزای معین نظریه‌ی جنسیتی توسط زبان‌شناسان باعث غنی‌سازی مطالعه‌ی زبان‌شناسی می‌شود. او نظریه‌ی جنسیتی را به‌عنوان نقد بین‌رشته‌ای و ضد هژمونیک معرفی می‌کند که در نبود تعریف دقیق، قدرت و ستم را تحلیل می‌کند. کخ روش اصلاح جنسیتی (همان: ۲۰) توسط جنبش‌های جنسیت مذکر و مؤنث از دهه‌ی ۱۹۹۰ و استفاده‌ی لوثرتیس از نظریه‌ی جنسیتی به معنای «نظریه‌پردازی تمایلات جنسی و هویت» را شرح می‌دهد. او تفاوت‌های بین دسته‌های جنس و جنسیت و مکانیسم‌های عمل هژمونی دگرجنسگرا را از نظر نظریه‌پردازان مختلف جنسیت، شرح می‌دهد.